



مهسار مضافی
خبرنگار

تخبگان در مقام رهبران فکری جامعه، همواره حلقه واسط دولتمردان و مردم بوده اند و نقش تعیین کننده ای در اقدامات دموکراتیک از جمله انتخابات دارند. اکنون که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ قرار داریم، بر آن شدیم از جامعه دانشگاهی در خصوص مطالباتشان از رئیس جمهوری آینده سؤال کنیم؛ اینکه اهالی فکر چه دغدغه ای در خصوص مسائل مبتلا به جامعه دارند و در مطالبات خود چه نکاتی را در اولویت می گذارند. از این رو، پرسش «از رئیس جمهوری آینده چه انتظار دارید؟» را با جمعی از اهالی اندیشه در میان گذاشتیم که هر یک از زاویه ای متفاوت به ما پاسخ گفت. ماحصل این پاسخ ها پیش روی شماست:

از شما می خواهیم با ما باشید

دکتر علیرضا بهشتی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



یا تاکتیک سیاسی که عنداللزوم استفاده شود نیست، بلکه یک «استراتژی» است. بهترین راه برای حل مشکلات معتنا به موجود «بازگشت به مردم» است؛ مردمی که انقلاب از آن آنهاست، کشور از آن آنهاست، موفقیت در مقابله با تجاوز نظامی هشت ساله مدیون و مرهون آنهاست و همه مسئولان نظام جز خدمتگزاران آنان نیستند. رئیس جمهوری آینده باید شب ها از ظلم و بی عدالتی که در هر گوشه و کنار مملکت می شود؛ از کارتن خوابی و گور خوابی، از ناموس فروشی، از زباله گردی و از اندام فروشی و درماندگی یکایک شهروندان در هر کجای این سرزمین پهناور که زندگی می کنند، خوابش نبرد. در این راه باید شجاعانه و صدا البته با تدبیر و برنامهریزی، در مقابل زیاده خواهی ها، با هر نام و به هر عنوانی که باشد، ایستادگی کرد. هیچ کس از شما انتظار ندارد همه مشکلات و بلکه بیش تر مشکلات موجود را ظرف چهار سال حل کنید. هیچ کس از شما نمی خواهد که بر ویرانه ای که تحویل گرفته اید یک شبه کلان های بلند سعادت بنا کنید، تنها از شما می خواهیم با ما باشید.

می پرسید که از رئیس جمهوری آینده چه انتظاری دارم؟ پرسش مهمی است، ولی پاسخ به آن خیلی هم آسان نیست. بگذارید قبل از هر چیز بگویم که انتظار شخصی در رابطه با خودم ندارم. به قول قدما، «اما بعد»! واقعیت این است که از رئیس جمهوری آینده انتظار دارم راه طی شده، بخصوص پس از دهه شصت را بررسی کند و در صورتی که به این نتیجه می رسد که ریل گذاری قطار توسعه، با راجع به نظریه های متأخر و دانش روز آمد توسعه، در مسیر نادرستی صورت گرفته، شهامت و شجاعت کافی داشته باشد که با کمک «نظام دانا یی کشور» و نه فقط معدود مشاوران نزدیک به خود، در جهت بازبینی و تغییر مسیر گام های مؤثری بردارد؛ قبل از آنکه خیلی دیر شود و لوگو مورتیور هیری اجرایی کشور به بن بست بر خورد کند. به نظر من، مقدمه واجب چنین کاری، به رسمیت شناختن تعدد و تنوع الگوهای زیستی در ایران کنونی است. از این مقدمه، به مقدمه بعدی می رسمیم و آن، اینکه «مردم ولی نعمت ما هستند» صرفاً یک شعار، خوراک تبلیغاتی دوران مبارزه انتخاباتی

مطالبات دانشگاهیان از رئیس جمهوری آینده برسد به دست...



«همبستگی»؛ بدون شعار

دکتر محمد امین قانع زاد
استاد جامعه شناسی
ورئیس اسبق انجمن
جامعه شناسی ایران



آنچه از رئیس جمهوری آینده انتظار می رود، برقراری «ثبات سیاسی» همراه با «مشارکت عمومی» است؛ به تعبیری، برقراری «امنیت» و «قانون» در کنار «آزادی های عمومی» خواست و انتظار جامعه است. با اینکه در سال های اخیر قدم هایی در این جهت برداشته شده است ولی هنوز خلأ هایی وجود دارد. معتقدم، برای رفع این خلأ ها نخست باید دستاوردهای موجود در این زمینه را از طریق یکسری قانون گذاری ها تثبیت کرد تا پیشرفت های به دست آمده در ساخت یک جامعه دموکراتیک نهادینه شود و از طرف دیگر باید اقداماتی برای برداشتن گام های جدید صورت گیرد.

نکته دوم، اصلاح و بهبود فرآیندهای انتخاباتی است؛ تا اراده عمومی و خواست مردم بدرستی بازتابی شود و موانع این مسیر به حداقل برسد. **سوم**، سیاست گذاری درست و مؤثر برای مسائل منطقه ای و آشوب ها و به هم ریختگی هایی است که در سطح منطقه وجود دارد. معتقدم، رئیس جمهوری آینده باید بر «گسترش دیپلماسی منطقه ای» تمرکز بیشتری داشته باشد تا تهدیدهای منطقه ای کاهش یابد و روابط خود را با کشورهای عربی برای رسیدن به یک فرمول مشترک در حل مشکل تروریسم و جنگ مذهبی، بیشتر کنیم. به نظر می آید دیپلماسی ما آنچنان که در اروپا فعال است، در منطقه فعال نیست. ما دیپلماسی منطقه ای فعالی نداریم و به جای نیروهای دیپلماتیک و سیاسی، بخش های دیگری از حاکمیت هستند که در مسائل منطقه ای فعالیت می کنند.

چهارم، «گسترش گفت و گوهای اجتماعی» و به نوعی «ترویج آشتی ملی» بین گروه های مختلف قومی، سیاسی و ملی برای رسیدن به یک اجماع و توافق در مورد زیر ساخت های نرم است تا در نتیجه آن، همبستگی اجتماعی بین گروه های متنازع شکل گیرد. بنابراین، ما باید از یک طرف مبارزه سیاسی را در قالب احزاب و جریان های مختلف اجتماعی، قومی و مذهبی به رسمیت بشناسیم و از طرف دیگر، راهکاری داشته باشیم که بتواند همبستگی اجتماعی را تأمین کند و در این زمینه به شعار بسنده نکنیم و این موارد در نیاز به سیاست گذاری های دولت دارد.

استیفای حقوق زنان

دکتر شمس الملوک مصطفوی
استاد فلسفه دانشگاه علوم و تحقیقات



کرد. از جمله برنامه ریزی صحیح و واقع گرایانه برای بهبود و ارتقای سطح علمی و کیفی دانشگاه و دانشگاهیان؛ برنامه ریزی معقول و منطقی جهت رفع نیازهای اقتصادی و معیشتی استادان ضمن حفظ کرامت و شأنیت آنها، جلوگیری از مهاجرت نخبه ها با فراهم کردن امکانات تحقیق و پژوهش و...

هر چند به نظر من، در طرح بحث مطالبات دانشگاهیان از رئیس جمهوری حال و آینده، آن هم در یادداشتی چنین مختصر، ورود به مسأله «عدالت جنسیتی» چندان درست به نظر نمی آید ولی از آنجایی که نیاز به استیفای حقوق بانوان جامعه در همه سطوح، نیازی «واقعی» و مبرم است، باید بگویم که در ارتباط با دانش و دانشگاه نیز ضروری است تدابیری اندیشیده شود که بانوان بتوانند در کنار تلاش خود، با کمترین مانع و بیشترین بازده، در مجامع علمی حضور یابند؛ مسئولیت های جدی علمی و عملی به عهده گیرند و «نگرش های منفی» موجود در ارتباط با توانمندی های زنان و حضور آنها، به حداقل کاهش یابد.

پرواضح است که پاره ای از مسائل موجود در جامعه علمی و دانشگاهی، مربوط به اشکالات ساختاری است که عمدتاً ریشه در گذشته دارد و عدم توجه به آنها، «آینده» را همچون «حال» با نابسامانی های عدیده ای روبرو خواهد کرد. از جمله می توان به عدم توجه به نقش و جایگاه «دانشگاه» به عنوان کلان نهاد علمی کشور در ساماندهی امور فرهنگی - اخلاقی جامعه و نیز رفع مهم ترین نیازهای امروز و آینده کشور در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین نبود توازن معقول بین رشته درس های دانشگاهی و نیازهای امروز جامعه و در نتیجه عدم تعامل کافی و متمرکز دانشگاه (نظر) با دیگر بخش های فعال در حوزه تمشیت امور مردم (عمل)، مانند صنعت، تجارت، هنر و... اشاره کرد.

در این راستا وزارت علوم، به عنوان نهادی که متکفل و متصدی اصلاحات ساختاری است، لازم است در انجام وظایف خطیر خود، از «عقلانیت» و «منطقی فرا جناحی» تبعیت کند. و اما دسته دیگری از مشکلات وجود دارند که با برنامه ریزی کوتاه مدت و کارشناسانه می توان برای شان چاره اندیشی